



Typology of Ascension Narratives (Function of Mi'rāj Hadiths in Ahl al-Bayt's Qur'anic Interpretations)

Zeinab Sham's Hossein Saftar

1. PhD Candidate of Theology and Education, Kashan University, Kashan, Iran.
Email: z.shams@qom.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Theology and Education, Kashan University, Kashan, Iran.
Email: attar@kashanu.ac.ir

DOI: 10.22051/tqh.2023.42768.3793

Article rank:

scientific-
promotional

Received:

30/01/2023

Accepted:

25/06/2023

Keywords:

Ascension of the
Prophet (PBUH),
Qur'anic
Interpretation,
Narrative
Interpretations,
Non-Qur'anic
Revelation

Abstract:

A glance at the ascension (mi'rāj) of the Prophet of Islam (pbuh) shows that the perceptions resulting from this great event play a significant role in the interpretation of the Qur'an by the Infallible Imams (as), something that has been neglected in the achievements mentioned for the ascension and also in many researches carried out in various aspects of the ascension. To answer the question, "What is the f types of these narrations while acknowledging the lack of unobserved types in the Ascension traditions (which, if any, indicates their small number). Findings show that most types mentioned for other traditions can also be used for the Ascension traditions narrated from Ahl al-Bayt (as). In ad

dition, some new types can be mentioned for these narrations. As a result, the Ascension was a ground that provided Ahl al-Bayt (as) with the opportunity to objectively observe the warnings and tidings, to mention examples and to express the details that the Qur'an was silent about. Accordingly, if we do not consider the prophetic ascension narratives, which sometimes have an interpretive aspect, as to be revealed, at least those narrations which speak of the direct conversation between God and the Prophet (pbuh), in the form that they are related to the meanings of the Qur'anic verses and in their details, are included among the non-Qur'anic revelation, which due to their attribution to God and closeness to the Qur'an, have a special privilege compared to other Prophetic traditions and holy hadiths.





گونه‌شناسی روایات معراجیه؛ کارکرد روایات معراجیه

در تفسیر معصومان (علیهم‌السلام) از قرآن

زینب شمس^۱ حسین ستار^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. Z.shams@qom.ac.ir

۲. استادیار گروه الهیات و معارف، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. Sattar@kashanu.ac.ir

DOI: 10.22051/TQH.2023.42768.3793

چکیده: مطالعه‌ی اجمالی در موضوع معراج پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) روشن می‌سازد که ادراکات حاصل از این واقعه‌ی سترگ، نقش بسزایی در تفسیر معصومان (علیهم‌السلام) از قرآن داشته است، اما این مهم در شمار دستاوردهای متعددی که برای معراج ذکر شده و نیز در تحقیقات بسیاری که در شئون مختلف معراج صورت گرفته، مغفول مانده است. این پژوهش به منظور پاسخ‌یابی به این سوال صورت گرفته که کارکرد معراج پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) از قرآن چیست؟ با توجه به آنکه در هیچ آیه‌ای به صراحت سیرشبانه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ذکر نشده و اغلب داده‌ها بر محور روایات می‌چرخد، گونه‌شناسی روایات معراجیه‌ای که ذیل آیات قرآن از اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده، راهکاری است که این پژوهش به‌کار گرفته تا با ارائه‌ی تعداد اندکی از انواع گونه‌های این روایات، به اثرگذاری معراج در تفسیر قرآن پی برد. ضمن اذعان به قلت گونه‌های مشاهده نشده در روایات معراجیه (که در صورت وجود، حاکی از تعداد اندک آنهاست)، یافته‌ها نشان می‌دهد اغلب گونه‌های ذکر شده برای سایر روایات در روایات معراجیه‌ی منقول از اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز وجود دارد، علاوه‌بر این، گونه‌هایی مستقل، با عناوین نوین در این روایات قابل ذکر است. نتیجه آنکه معراج، بستری است که فرصت مشاهده عینی اندازها و بشارت‌ها، ذکر مصادیق و بیان جزئیاتی را که در قرآن مسکوت بوده است، در غالب روایات نبوی برای اهل بیت (علیهم‌السلام) فراهم آورده است. به باور نگارنده در صورت و حیانی ندانستن بعضی روایات معراجیه نبوی که جنبه تفسیری دارند، دست کم آن دسته از روایات معراجیه نبوی که از مکالمه مستقیم خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) حکایت دارد، در صورتی که مرتبط با مدلول آیات قرآنی و در تفصیل آن‌ها باشد، در شمار وحی غیرقرآنی به شمار می‌آید و به دلیل انتساب به خدا و تقریب به قرآن، از امتیاز ویژه‌ی نسبت به سایر روایات نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و احادیث قدسی برخوردار است.

صص ۷۶-۵۱

نوع مقاله:

علمی-ترویجی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۶/۰۵

واژه‌های

کلیدی:

معراج

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)،

تفسیر قرآن،

تفاسیر روایی،

وحی غیرقرآنی.



۱. مقدمه و بیان مسئله

ماجرای عروج رسول عظیم شأن اسلام (صلی الله علیه و آله) به آسمان‌ها در احادیث شیعه و سنی، به صورت متواتر آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶، ص ۶۰۹). قرآن در دو سوره اسراء و نجم^۱، به معراج پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرداخته است. بر خلاف مباحثی از قبیل کیفیت معراج، زمان و مکان عروج و غیره که اختلاف اقوال پیرامون آن بسیار است، اصل معراج مورد اجماع تمامی مسلمین می‌باشد. از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده: «از شیعیان ما نیست، کسی که چهار چیز را انکار کند: معراج، سؤال در قبر، مخلوق بودن بهشت و دوزخ و شفاعت» (صدوق، ۱۳۹۴ ش، ص ۵۰؛ حرّعاملی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۳۶۳).

همان‌گونه که در آیه نخست سوره اسراء^۲ آمده اصلی‌ترین هدف معراج نمایش ملکوت آسمان‌ها به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. امام سجاد (علیه‌السلام) در پاسخ ثابت‌بن‌دینار از چرایی سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آسمان، به نشان دادن ملکوت آسمان‌ها و مصنوعات عجیب و مخلوقات بدیع متذکر شده است (صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۵۰؛ طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۴، ص ۴۴۸). اعلام برتری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر ملائکه و ساکنان آسمان؛ اکرام آنان با مشاهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همچنین با خبر ساختن زمینیان از عجائب خلقت و پاسخ به شبهه‌اندازان در مورد خداوند، از جمله دلایل معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که امام کاظم (علیه‌السلام) به

۱. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (الإسراء: ۱) و نیز «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ» (النجم: ۱۸-۸). گفتنی است برخی مفسران آیه نخست سوره مبارکه اسراء را مرتبط به معراج دانسته‌اند. این گروه بر خلاف کسانی که "مسجدالاقصى" در این آیه را بیت المعمور گرفته‌اند، "مسجدالاقصى" را بیت المقدس دانسته‌اند.

۲. پاک و منزه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد، که گرداگردش را پریرکت ساخته‌ایم تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.

یونس بن عبدالرحمان فرمود (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۷۴، مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۳، ص ۳۱۵).

برخی دستاوردهای معراج که در روایات آمده است، عبارت است از: ولایت علی (علیه السلام) (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۷۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۴۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۵۶)، وجوب نمازهای پنج‌گانه (ابن کثیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۷؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۹۵)، اعطای کوثر (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۸۴؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳۵۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۱۹)، رفع تکلیف‌های دشوار از امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۰۶؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۷، ص ۲۸۹) و غیره.

در شمار اهداف و دستاوردهای معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اثرگذاری و کارکرد این سیرشبان‌های عظیم در تفسیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) از قرآن، مغفول مانده است، به رغم آنکه حجم انبوهی از روایات تفسیری اهل بیت محصول و مرتبط به معراج است، این که بازتاب معراج در فهم قرآن از منظر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام)، چگونه بوده است؟ سؤالی است که در این پژوهش سعی شده با دسته‌بندی انواع روایات معراجیه ذیل آیات از اهل بیت (علیهم السلام)، بدان پاسخ داده شود.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

همانگونه که در مقدمه بیان شد، در قرآن تصریحی به معراج پیامبر نشده است. صاحب نظران آیاتی را مرتبط به معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذکر نموده‌اند که در بین آنان اولین آیه سوره‌ی اسراء و آیات ابتدایی سوره نجم، نمود بیشتری دارد. بر این اساس اغلب تحقیقات به استناد روایات صورت گرفته است. روایات معراجیه همواره مورد توجه پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان بوده است. پژوهش‌های مربوط به معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) قدمتی از المعراج ابوعلی سینا (م ۴۲۸ق) و معراج النبی علی بن محمد بن صمری محلی (م ۸۴۱ق) دارد تا قرن معاصر در آثاری همچون *جوامع الاسرار فی معراج الرسول المختار* از سید حسین بن مرتضی طباطبائی حائری یزدی (م ۱۳۱۵ق)، و *رجعت و معراج ابوالحسن رفیعی قزوینی*

(م ۱۳۵۳ش). از تحقیقات مستشرقان نیز پژوهش فردریک کولبی^۱ در روایت سفر شبانه محمد^۲، آنجلیکا نوورت^۳ در *از مسجد/احرام تا مسجد/الاقصی*^۴، همچنین شریک و هروتز^۵ در معراج^۶، قابل ذکر است.

۳. تبیین مفاهیم کلیدی

دو مفهوم کلیدی در پژوهش حاضر به شرح زیر تبیین شده است.

۳-۱. احادیث قدسی

حدیث قدسی، نوعی حدیث است که به ذات مقدّس الهی منسوب بوده و به آن حدیث ربانی و الهی نیز گفته می‌شود. در ویژگی‌های گوناگونی که برای حدیث قدسی بر شمرده‌اند، این نقطه مشترک وجود دارد: حدیث قدسی سخنی است که آن را پیامبر (صلی الله علیه و آله) از قول خدا گزارش داده است ولی در الفاظ آن تحدّی و اعجازی وجود ندارد (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۶۲۹). بین صاحب نظران در مورد وحیانی دانستن احادیث قدسی نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی به طور کلی احادیث قدسی را در مقابل قرآن (که وحی جلی است)، وحی غیر جلی گرفته‌اند (ابوشهبه، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۱۶)، بسیاری حتّی الفاظ احادیث قدسی

1. Colby, Frederick

2. Narrating Muhammad's Night Journey

3. Angelika Neuwirth

4. From the Sacred Mosque to the Remote Temple

5. Schrieke and Horovtz

6. Me'raj

را چونان قرآن، از خداوند دانسته‌اند (کرمانی، ۱۴۰۱ق، ج ۹، ص ۷۹؛ صالح، ۱۳۸۸ق، ص ۱۲۲).^۱

۳-۲. گونه‌شناسی روایات تفسیری

«روایت»، در لغت به معنای حمل است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۹۸-۱۹۹)، در اصطلاح خبری است که به طریق نقل، به معصوم (علیه‌السلام) ختم شود. در اصطلاح علم حدیث‌شناسی، روایت مترادف با معنای حدیث می‌باشد. به حدیث از آن جهت روایت گفته شده است که گفتار، فعل یا تقریر معصوم را نقل یا حمل می‌کند.

برای «تفسیر» تعاریف متعددی ارائه شده است، از جمله تعریف زرقانی در *مناهل العرفان* است: تفسیر، علمی است که در آن به قدر توان بشری، از احوال قرآن از آن جهت که بر مراد خداوند متعال دلالت دارد، بحث می‌شود^۲ (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۱). برخی آن را وابسته‌ی لفظ^۳ و برخی آن را منوط به الفاظ ندانسته‌اند.^۴

در این نوشتار مراد از «روایت تفسیری»، روایاتی است که بیان مراد آیه را در نظر داشته و زمینه فهم بهتر آیه را فراهم می‌نماید. برای تعداد روایات تفسیری در مصادر شیعی، آماری بیش از پانزده هزار حدیث ذکر شده است.^۵ این روایات در کتبی مانند *البرهان فی تفسیر*

۱. شماری از محققان از جمله (صالح، ص ۱۲۴ و ابوشهبه، ج ۱، ص ۲۱۸) الفاظ این گونه احادیث را چونان دیگر احادیث، از خود پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دانسته‌اند (جرجانی، ج ۱، ص ۱۱۳، قاسمی، ص ۶۶-۶۷)، از این دیدگاه، تفاوت احادیث قدسی با قرآن بسیار روشن است.

۲. «علم یبحث فیه عن القرآن من حیث دلالتہ علی مراد اللہ تعالی بقدر الطاقۃ البشریة».

۳. به عنوان: «تفسیر، کشف مراد از لفظ مشکل است» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۹) و «تفسیر، کشف مراد از لفظ مشکل است» (معرفت، ۱۳۸۷ش، ص ۲).

۴. تفسیر در عرف دانشمندان، کشف معانی قرآن و بیان مراد است، اعم از اینکه به حسب مشکل بودن لفظ و غیر آن و به حسب معنای ظاهر و غیر آن باشد. این تعریف را زرکشی در *البرهان* به نقل از راغب (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۸۵) و سیوطی در *الاتقان* (سیوطی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۱۹۰) نقل کرده‌اند.

۵. رک، مهریزی، ۱۳۸۹ش، ص ۴

القرآن نوشته سیدهاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ق) و تفسیر نورالثقلین نوشته عروسی حویزی (م ۱۱۱۲ق) گرد آمد است.

انتساب روایت به آیه یا آیاتی خاص، موضوعی قابل تأمل است. به عنوان نمونه در منابع گوناگون، روایاتی ذیل آیات به چشم می‌خورد که با الفاظ و مضمون آیه بی‌ارتباط است و محتوای روایت صرفاً به دلیل آن که مرتبط به معراج بوده، ذیل آن آیه آورده شده است. گویی پیوند آیه با معراج (هر چند ضعیف)، فرصتی برای بیان روایت بوده است. با توجه به آن که یک روایت مشخص گاه ذیل چند آیه آمده، همچنین گاه محتوای یک روایت با الفاظ و مفهوم آیه‌ای دیگر که ذیل آن نیامده، ارتباط محکم‌تری دارد، نتیجه می‌شود انتساب روایت به آیه در منابع مختلف از قاعده‌ی الزام‌آوری تبعیت نکرده است.

محققان روایات را به گونه‌های متعددی از قبیل: ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی، قاعده جری و تطبیق، بیان مصداق، بیان لایه‌های معنایی (بطون)، ترسیم فضای نزول، اختلاف قرائت، تفسیر فقهی، تفسیر علمی و تجربی، بیان فضائل آیات و سور، روایات داستانی و غیره تقسیم نموده‌اند.^۱

۴. گونه‌شناسی روایات معراجیه

به گفته مفسر معروف، مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن روایات معراجیه را به چهار گروه تقسیم نموده است: ۱. روایاتی که اصل آن به دلیل متواتر بودن قطعی است (مانند اصل معراج)؛ ۲. روایاتی که از منابع معتبر نقل شده و مشتمل بر مسائلی است که هیچ گونه مانع عقلی در قبول آن نیست (مانند روایاتی که در آن از مشاهده آیات عظمت

۱. به عنوان نمونه رک. راد، علی (۱۳۹۳ش)، گونه‌شناسی احادیث تفسیری، از نظریه تا تطبیق، تفسیر اهل بیت‌علیهم‌السلام، (۱)۲، صص ۶-۳۴؛ مهریزی، مهدی (۱۳۸۹ش)، روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت، علوم حدیث، (۱)۱۵، صص ۴-۳۴ و رستم‌نژاد، مهدی (۱۳۸۸ش)، گونه‌شناسی روایات تفسیری، حسنا، شماره ۱، صص ۱۶-۳۵.

خدا در آسمان‌ها سخن می‌گوید؛^۳ روایاتی که ظاهر آن با اصولی که از آیات قرآن و روایات مسلم اسلامی در دست داریم، منافات دارد، ولی با این حال قابل توجه است (مانند روایاتی که می‌گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) گروهی از بهشتیان و جهنمیان را دید)؛^۴ روایاتی مشتمل بر مطالب باطل و بی‌اساس که به هیچ وجه قابل قبول نیست (مانند روایاتی که می‌گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) خدا را با چشم دید) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۶). فارغ از این ارزیابی‌های اعتباری، روایات منقول اهل بیت (علیهم‌السلام) که مرتبط به معراج بوده به عنوان داده‌های اولیه‌ای است که در این پژوهش مورد پردازش قرار گرفته و به دو گروه تقسیم شده است: الف) گونه‌هایی که مرتبط با مدلول آیه بوده و جنبه‌ی تفسیری دارند؛ ب) گونه‌هایی که مرتبط با مدلول آیه بوده و جنبه‌ی تفسیری ندارند.

۴-۱. گونه‌های مرتبط با مدلول آیه و دارای جنبه‌ی تفسیری

۴-۱-۱. ایضاح لفظی (تفسیر واژگان قرآنی)

روایاتی که در آن با استناد به معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله)، معنای یک واژه قرآنی شرح داده شده تا فهم آن را برای مخاطب آسان‌تر نماید. به عنوان نمونه پیامبر (صلی الله علیه و آله) با استناد به مشاهدات خود در معراج، در معرفی واژه «طوبی» در «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (الرعد: ۲۹) می‌گوید: «اگر پرنده‌ای فرستاده شود تا پیرامون ریشه آن بچرخد، حتی بعد از هفت صد سال نیز به این کار موفق نمی‌شود. هیچ خانه‌ای در بهشت نیست، مگر آن که شاخه‌ای از این درخت، در آن خانه وجود دارد» (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۷، ص ۲۸۴، مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۸، ص ۱۲۳).^۱

۱. و روایات دیگر از جمله در شرح حروف مقطعه، به عنوان: نمونه امام صادق (علیه‌السلام) در توضیح «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ذیل آیه ۱ سوره ص می‌گوید: نام چشمه‌ای است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با آب آن در معراج وضو گرفته است (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۳۴) و نیز در روایتی از ایشان شرح درخت سدره المنتهی ذیل «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى» (النجم: ۱۴) که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج مشاهده نموده بودند (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۵، ص ۲۷۶). همچنین ابن عباس روایتی را از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورده که می‌گوید: جبرئیل در معراج واژه «نور» را در «جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ» (الانعام: ۱) به رودخانه‌ای تشبیه

۴-۱-۲. ایضاح فرازی

روایاتی که با استناد به معراج، بخشی از یک یا چند آیه را شرح داده است. به عنوان نمونه امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هنگامی که خداوند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را عروج داد ... فرمود: الان به من رسیدی، پس اسم مرا یاد کن. حضرت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و به همین خاطر در اول هر سوره گفتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مشروع گردید. سپس حق تعالی به آن حضرت فرمود: مرا ستایش کن. حضرت عرضه داشت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». نبی اکرم (در نفس خود) پس از تحمید عرضه داشت: شُكْرًا. بلافاصله حق تعالی فرمود: ای محمّد! حمد و ستایش مرا با گفتن [شُكْرًا] قطع کردی پس دوباره اسم مرا ببر و به همین خاطر در سوره‌ی حمد عبارت «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دو مرتبه گفته می‌شود» (وسائل الشیعة، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۶۵؛ کلینی، ۱۳۷۰ش، ج ۳، ص ۴۸۴).

۴-۱-۳. بیان مصداق یا شرح فضائل اشخاص

روایاتی است که با استناد به معراج، مصداق یا مصادیقی را برای الفاظ قرآنی نام برده است. این مصادیق به گونه‌ای است که بر پایه قواعد زبانی، نمی‌توان آنها را مصداق انحصاری آیه دانست. به عنوان نمونه از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که در معراج به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، در قالب داستان گفته شد که مراد از «عبد» در «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (الکهف: ۶۵) (در آن جا) خضر را یافتند، بنده‌ای از بندگان ما که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۵۵۰ و ۵۵۴؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۳، ص ۳۰۲ و ۲۹۶). اغلب روایات بیانگر مصداق، معرف برتری و فضیلت شخصی می‌باشد. به طور کلی در روایات معراجیه این گونه روایات در چند دسته قرار می‌گیرد، از جمله:

کرده و برای ایشان شرح داده است (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۳۵۴؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶۲؛

طایی، ۱۴۳۹ق ج ۴، ص ۳۱۶؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳۳۷ و ج ۵۶، ص ۲۴۸).

الف) بیان برتری پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به سایر مخلوقات و پیامبران: به عنوان نمونه امام صادق (علیه السلام) ذیل «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (النجم: ۹۰) دلیل برتری پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به سایر پیامبران پیشین را نزدیکی کمتر از دو کمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با خدا در معراج دانسته است (مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۵، ص ۲۳۶؛ قمی، ۱۴۰۴ق)، ج ۱، ص ۲۴۶). همچنین حدیثی از امام صادق (علیه السلام)، که جلو ایستادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صف نماز و اقتدای جبرئیل، و سایر پیامبران به ایشان، در سفر معراج را مؤید برتری ایشان بر سایر پیامبران دانسته است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۴۴ و ج ۵، ص ۳۶، مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۴۳، ص ۵ و ج ۱۸، ص ۲۳۴).

ب) فضیلت و وصایت علی (علیه السلام): به عنوان نمونه ابوذر روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورده، دال بر این که فرشتگان در سفر معراج، حضرت علی (علیه السلام) را مصداق «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران: ۱۰۳) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) معرفی نموده است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۲، ص ۷۲۰، مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۸، ص ۱۷)^۱. همچنین فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و حتی شیعیان آنان، که در گونه‌ی روایات جری و تطبیق نیز قرار می‌گیرد.

۴-۱-۴. شرح جزای اعمال / توصیف بهشت و جهنم

استناد به مشاهدات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر معراج، در شرح پاداش کسانی که به دستورات قرآن عمل نموده و یا عقاب کسانی از آن سرپیچی کرده‌اند. به عنوان نمونه:

۱. نمونه‌های متعددی برای این گونه وجود دارد، جا دارد که آن را یک‌گونه مستقل به شمار آورد. به عنوان نمونه ذیل «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (الرعد: ۷) آمده که خداوند در پاسخ پیامبر (صلی الله علیه و آله) از کیستی «هاد» در معراج، حضرت علی (علیه السلام) را نام برده است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۷، ص ۲۲۶؛ مجلسی ۱۳۱۵ق، ج ۳۵، ص ۴۰۰). روایات دال بر مشاهده شخص علی (علیه السلام) در معراج (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۵، ص ۲۴۲؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۴۰۶)، مشاهده منزلت بلند علی (علیه السلام) در معراج (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۴، ص ۴۴۴ و ج ۶، ص ۵۴۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۷، ص ۸۲؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۶) و غیره نیز موجود است، لکن به دلیل نداشتن جنبه تبیین مصداقی، ذکر نشده است.

الف) در حدیث نبوی آمده که در معراج به پیامبر (صلی الله علیه و آله) قصرهایی زیبا نشان داده شد و گفته شد این قصرها از آن کسانی است که بعد از نماز، صلوات می‌فرستند، چرا که اینان مصداق بیدارندگان نمازکامل هستند. این روایت در تفسیر «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (البقرة: ۴۳) آمده است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۱، ص ۳۰۴؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۸۲، ص ۲۸۵).

ب) در حدیث نبوی آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج، عذاب خطیبانی که مردم را به نیکی سفارش می‌دهند و خود را فراموش کرده‌اند، نشان داده شد. این حدیث ذیل «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (البقرة: ۴۴) آمده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۵؛ طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۱، ص ۳۲۶؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۶۹، ص ۲۲۳)؛ نیز عذاب رباخواران ذیل «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (البقرة: ۲۷۵) (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۲، ص ۳۸۶)؛ عذاب قطع‌کننده صله رحم ذیل «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (النساء: ۱) (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۳، ص ۲۰؛ صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۵۴)؛ خورندگان اموال یتیم ذیل «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (النساء: ۱۰) (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۳، ص ۵۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۷۶، ص ۲۶۷، قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۱).

۴-۱-۵. ترسیم فضای نزول

در این روایات گاه شرایط پیش از نزول و گاه بافت فرهنگی مردمان پس از نزول با استناد و تمسک به روایات معراجیه به تصویر می‌آید. به عنوان نمونه روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تفسیر علی بن ابراهیم، ذیل «فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَا كَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (الاحزاب: ۳۷) (هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده‌هایشان، هنگامی که طلاق گیرند، نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است) آمده که به گفته‌ی اکثر مفسران و مورخان، این آیه مربوط به زیدبن حارثه است، او برده‌ای بود که خدیجه به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بخشید

و حضرت آزادش نمود، قبیله‌ی زید او را از خود راندند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) زید را فرزند خوانده‌ی خود قرار داد. بعد از ظهور اسلام، زید به آیین محمد (صلی الله علیه و آله) گروید و از مسلمانان ممتاز و فرمانده لشکر در جنگ موته شد و در همان جنگ به شهادت رسید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دختر عمه‌اش زینب، که زنی سرشناس و از نوه‌های عبدالمطلب بود، برای زید خواستگاری کرد. در آغاز، زینب خیال کرد حضرت او را برای خودش خواستگاری می‌کند، اما بعد که فهمید برای زید است ناراحت شد، زیرا تا آن زمان هیچ زن آزادی (تا چه رسد به زنان سرشناس) همسر برده نمی‌شد. (گرچه برده‌ای آزاد و پسر خوانده‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از مسلمانان ممتاز باشد). پس از ازدواج، ناسازگاری بین آنان آغاز شد و زید تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد... (قمی، (۱۴۰۴)، ج ۲، ص ۷۲؛ قرائتی، ۱۳۷۴ ش، ج ۷ ص ۳۶۹-۳۷۰)، در این روایت آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج کنیز متعلق به زیدبن حارثه را دید و بشارت آن را به زید داد (طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۲، ص ۱۸۸).

۴-۱-۶. بهره‌گیری از عناصر ادبی

گاهی معصوم (علیه‌السلام) به منظور آسان‌سازی و انتقال سریع مفهوم به مخاطب از نکته‌ای ادبی و قواعد لسانی بهره‌برده است. این روش در شرایطی متناسب با سطح آگاهی و فهم مخاطب به کار گرفته می‌شود و در جایی استفاده می‌شود که می‌خواستند جلوی استفاده مغالطه‌گران را بگیرند و طرف را مجاب نمایند (رستم نژاد، ۱۳۸۸ ش، ص ۵). به عنوان نمونه قاعده ادبی تشبیه را می‌توان از این گروه نام برد. در روایاتی معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کارکردی مشابه قرآن، معیاری برای سنجش انسان‌ها به حساب آمده است. در حدیثی امام صادق (علیه‌السلام) واکنش افراد در مواجهه با قرآن را مشابه واکنش قریشیان به اظهار معراج از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانسته است. ایشان در شرح «وَ مَا تَعْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنِ قَوْمٍ لَّيُّومُنُونَ» (یونس: ۱۰۱) برای یحیی بن کاهلی، فایده نداشتن انداز و آیات قرآن برای

۱. وَ قَدْ ذَكَرَ مَا رَأَى لَيْلَةَ أُسْرِي بِهِ: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا عَلَيَّ حَافَتِيهَا بِيُوتِي وَ بِيُوتُ أَرْوَاجِي وَ إِذَا تُرَابُهَا كَالْمِسْكِ وَ إِذَا جَارِيَةُ تَتَعَمَّسُ فِي أَنْهَارِ الْجَنَّةِ، فَقُلْتُ: لِمَنْ أَنْتِ يَا جَارِيَةُ؟ فَقَالَتْ: لَزَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ. فَبَشَّرْتُهُ بِهَا حِينَ أَصْبَحْتُ.

بی‌ایمانان را همانند کسانی دانسته که به رغم ارائه شواهد از سوی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در اثبات عروج ایشان، باز هم نپذیرفتند و تکذیب کردند (کلینی، ۱۳۷۰ ش، ج ۸، ص ۳۶۴؛ طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۶، ص ۵۷۶؛ مجلسی، ۱۳۱۵ ق، ج ۱۸، ص ۳۱۰ و ۳۸۳).

۴-۱-۷. بیان جزئیات تشریحات و فلسفه احکام

به عنوان نمونه ذیل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (المائدة: ۶)، روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) دال بر آموزش چگونگی انجام وضو به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در معراج آمده است (طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۲، ص ۶۴۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ ق، ج ۷۷، ص ۲۸۸). همچنین از ایشان ذیل آیاتی از جمله آیه نخست سوره حمد روایاتی پیرامون کیفیت اذان و اقامه، تکبیره الاحرام، گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و حمد خدا در معراج آمده است (طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۱، ص ۱۸ و ۲۸؛ مجلسی، ۱۳۱۵ ق، ج ۷۹، ص ۲۴۱).

۴-۱-۸. بیان اسباب نزول

روایاتی که بیان علت و شرایط نزول آیه را به نوعی به معراج ارتباط داده است. به عنوان نمونه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سبب نزول «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» (مریم: ۵۰) را این گونه بیان می‌دارد که در معراج، پس از پیشنهاد علی (علیه‌السلام) از سوی خود ایشان، به عنوان جانشین، این آیه نازل شد (طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۹، ص ۷۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۴۶۲). همچنین می‌فرماید در معراج به ایشان گفته شد که علت نزول آیه‌ی «وَمَا تَلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى» (طه: ۱۷) این است که موسی (علیه‌السلام) در طور که عظمت خدا را دید مبهوت شد، به گونه‌ای که آنچه می‌دید او را از آنچه می‌شنید، غافل ساخت، خداوند با نزول این آیه او را از این حالت خارج ساخت (طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۹، ص ۱۹۶).

۱. و روایات دیگر از این گونه در مورد آیه نخست سوره علق را ببینید (طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۱۸، ص ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۳۱۵)، ج ۱۷، ص ۳۰۷، ج ۱۸، ص ۲۰۵).

۴-۱-۹. بیان اخبار غیبی

معراج بستری برای مستندسازی حوادث و پدیده‌هایی است که آگاهی از آن در روزگار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) مقدور نبوده است. این گونه خود به دسته‌هایی از جمله موارد زیر قابل تقسیم است:

الف) اخبار گذشتگان: به عنوان نمونه روایتی بیانگر آن است که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج، محل مکالمه‌ی خدا با موسی (علیه السلام) که در «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (النساء: ۱۶۴) آمده «طور سینا» معرفی گردید (طایبی، ۱۴۳۹ق ج ۳، ص ۵۲۶). توضیح امام صادق (علیه السلام) به مفضل بن عمر در مورد «فَارَ التَّنُورُ» (هود: ۴۰) که محل آغاز جوشش آب برای داستان کشتی نوح از آن تنور بوده ... تا این که در شب معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن محل نمازگزارد و سپس جبرئیل آن جناب را از آنجا به آسمان برد (کلینی، ۱۳۷۰ش، ج ۸، ص ۲۷۹؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۱، ص ۳۳۳) و نیز این روایت که ابوسعید خدری ذیل «فَلَمَّا رَأَيْتُهُ أَكْبَرْتُهُ وَ قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ» (یوسف: ۳۱) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می گوید که در آسمان دوم، یوسف (علیه السلام) را دیده که صورتش همچون ماه شب چهارده می درخشیده است (طایبی، ۱۴۳۹ق ج ۷، ص ۵۸).

ب) اخبار آیندگان: به عنوان نمونه در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذیل «وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» (الاعراف: ۱۳۷) آمده است که اسامی جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ایشان در شب معراج خبر داده شد (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۱، ص ۶۲۸، مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۳، ص ۳).

ج) اخبار فرشتگان: به عنوان نمونه شرح حورالعین ذیل «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (الرحمان: ۷۲) که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج مشاهده نمود (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۵، ص ۴۴۲؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۸، ص ۱۰۷). نیز حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) که ذیل «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرَبَاعَ» (فاطر: ۱) به توصیف بال‌های فرشتگان از جمله جبرئیل پرداخته است که پیامبر (صلی

الله علیه و آله) در معراج مشاهده نموده بود (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۲، ص ۳۸۸ و ج ۱۲، ص ۳۹۴، مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۵۶، ص ۱۵۵ و ج ۵۶، ص ۱۷۳-۱۷۴).

د) اخبار خلقت آسمان و زمین: به عنوان نمونه در روایتی ذیل «إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ» (الاعراف: ۵۴)، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مکالمه خود با فرشتگان در معراج و توضیح چگونگی آفرینش آسمان، زمین و فرشتگان برای ایشان، گفته است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۵، ص ۱۷۲، مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۵، ص ۸ و ج ۵۴، ص ۱۷۶). ذیل «لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ» (الحجر: ۴۴) حدیث نبوی آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) جملات نوشته شده روی هر هفت در آسمان که در معراج دیده بود را بیان نموده است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۷، ص ۵۱۸-۵۲۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۸، ص ۱۴۴).

۴-۱-۱۰. رفع ابهام و تناقض ظاهری آیات

روایاتی با استناد به معراج نبوی (صلی الله علیه و آله) ابهام و پیچیدگی آیات را مرتفع نموده است. به عنوان نمونه امام باقر (علیه‌السلام) در پاسخ نافع بن ازرق در مورد چگونگی امکان (با وجود فاصله زمانی) پرسش پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پیامبران گذشته که در آیه «وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (الزخرف: ۴۵) آمده، محلّ پرسش را در زمان عروج دانسته است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۷۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۰، ص ۱۵۸ و ج ۳۶، ص ۱۵۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۴۷).^۱

۴-۱-۱۱. تفسیر قرآن به قرآن

روایاتی در این دسته قرار می‌گیرد که برای شرح آیات النجم: ۱۸-۵ و الإسراء: ۱ (که مرتبط با معراج دانسته شده‌اند) به آیات دیگر استشهاد داشته‌اند. با توجه به محدود بودن شمار این آیات، روایات این گونه نیز از فراوانی اندکی برخوردارند. به عنوان نمونه امام

۱. حدیث دیگری به همین مضمون از حضرت علی (علیه‌السلام) در پاسخ فضاله آمده است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۷۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳) و نیز روایات متعددی ذیل الزخرف: ۴۵ و یونس: ۹۴.

رضا (علیه السلام) در توضیح «لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى» (النجم: ۱۸) به ابوقرة، آیات خدا را غیر از خدا دانسته (فآيَاتُ اللَّهِ غَيْرُ اللَّهِ) و سپس می‌فرماید: «قَدْ قَالَ اللَّهُ وَ لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» (طه: ۱۱۰) (کلینی، ۱۳۷۰ ش، ج ۱، ص ۹۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۰۵). ایشان در ادامه در پاسخ به پرسش‌های دیگر ابوقرة به آیات دیگری نیز استشهد داشته است.

۴-۲. گونه‌های غیرمرتبط با مدلول آیه و بدون جنبه‌ی تفسیری

بسیاری از روایات معراجیه، مرتبط با مدلول آیات نبوده و جنبه‌ی تفسیری ندارند. در واقع روایات فوق‌الذکر، از بین انبوه این روایات گزینش شده است. می‌توان برای تمامی گونه‌های بالا، نمونه روایاتی را آورد که جنبه تفسیری ندارند. عدم ذکر نمونه این روایات، با توجه به شمار فراوان آن‌ها، مانع درک بهتر روایاتی است که شرط جنبه تفسیری داشتن را دارد. با توجه به این که تمرکز این نوشتار بر روی جنبه تفسیری روایات معراجیه است، به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:

۴-۲-۱. بیان جزئیاتی از احکام

به عنوان نمونه جزئیات زیر همگی ذیل آیه نخست سوره اسراء آمده است. ظاهر این آیه بر سفر شبانه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مسجدالحرام به مسجدالاقصی حکایت دارد. از این رو برخی این آیه را مرتبط به سفرآسمانی ایشان ندانسته‌اند.^۱ نقل شده است که امام صادق (علیه السلام) عُلّت بلند و آرام خواندن نمازهای پنج‌گانه و ذکر تسبیحات اربعه در دو رکعت آخر نمازهای چهار رکعتی را، سفارش آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج دانسته است (طایبی، ۱۴۳۹ ق، ج ۸، ص ۵۴ و ۳۸۸؛ صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۰۹). امام کاظم (علیه السلام) برای هشام بن حکم، عُلّت هفت تکبیره الاحرام در نماز و اذکار رکوع و سجود را مشاهدات و

۱. این نظر ریشه در تفاوت معنای لغوی «اسراء» (سیرشبانه) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۳۱) با «معراج» دارد. باتوجه به ظاهر آیه نخست سوره اسراء، برخی مراد از «مسجدالاقصی» در این آیه را «بیت‌المعمور» گرفته‌اند که مکانی در آسمان است و برخی ضمن اعتقاد به اصل معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن را «بیت‌المقدس» پنداشته‌اند و سیرشبانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در (الإسراء: ۱) آمده است را در آسمان ندانسته‌اند (رک: ادیب بهروز، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۸-۲۹).

اقوال پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج پیوند داده است (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۵۴؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳۶۹).

۴-۲-۲. ترسیم فضای نزول

روایاتی حاوی واکنش قریشیان در مواجهه با اعلام عروج به آسمان از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است: به عنوان نمونه حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) (ذیل الإسرائ: ۱، طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۳۶)، همچنین احادیثی دیگر از هشام بن حکم^۱، ابان بن عثمان^۲ و غیره. پرواضح است روایات حاکی از رد ادعای منکران معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با استناد به آیات قرآن، به رغم مرتبط بودن با گونه‌ی قرآن به قرآن، فاقد جنبه‌ی تفسیری هستند.^۳

۴-۲-۳. شرح مشاهدات پیامبر (صلی الله علیه و آله) از بهشت و جهنم و احوال

ساکنان آن

حدیثی از امام صادق (صلی الله علیه و آله) که ذیل آیه نخست سوره‌ی إسرائ آمده و از درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج برای نشان دادن یک طبقه از جهنم به ایشان حکایت دارد (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۶۴)، همچنین حدیث طولانی از حضرت علی (علیه‌السلام) در شنیدن عذاب زنان جهنمی از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در معراج مشاهده نموده‌اند (ذیل الإسرائ: ۱، طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۴۲؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۸، ص ۳۰۹). علاوه بر گونه‌هایی که در این نوشتار و سایر تحقیقات برای روایات، شناسایی شده است، در روایات معراجیه مواردی وجود دارد که تحت عناوین جدید و مستقلی قابل تفکیک هستند.

۴-۳. بیان شئون معراج؛ (از قبیل زمان، مکان، تعداد دفعات، اهداف، مرکب

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج، ارزش معراج از دیدگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ...)

۱. (ذیل الإسرائ: ۱) طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۳۸؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳۸۴.

۲. (ذیل الإسرائ: ۱) طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۴۰؛ مجلسی، ۱۳۹۱ق، ج ۲۶، ص ۲۵۲.

۳. به عنوان نمونه روایت ذکر شده در طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۵، ص ۲۳۸؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۲۹۱.

به عنوان نمونه امام صادق (علیه السلام) از قول پدرش می فرماید: «إِنَّ النَّبِيَّ دَفَعَ إِلَيَّ عَلِيًّا لَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ الْقَمِيصَ الَّذِي أُشْرِيَ بِهِ فِيهِ» هنگامی که لحظه‌ی فوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرا رسید لباسی که در آن به معراج رفته بود را به علی (علیه السلام) داد (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۷۶). در مورد مدّت زمان معراج، امام صادق (علیه السلام) می گوید: در شب معراج، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز عشاء و فجر خود را در مکه خواند (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۷۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۰). و یا شرح ظاهر براق (مرکب پیامبر (صلی الله علیه و آله)) در سفر آسمانی ایشان (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۶، ص ۵۴۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳۸۷).

۴-۴. بیان معارف خدانشناسی / مسائل اعتقادی - کلامی

به عنوان نمونه امام رضا (علیه السلام) با استناد به معراج به سؤال هروی در مورد خلق شدن (وجود پیش از قیامت) بهشت و جهنم^۱ و نیز به سوال احمد بن محمد بن ابی نصر، در مورد شبهه‌ی جسمانیّت خداوند^۲، پاسخ داده است. همچنین جناب پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوال چگونگی مشاهده خداوند در معراج^۳ و درخواست عبدالله عمر جواب می دهد که در معراج خداوند خود را با چه اوصافی به ایشان معرفی نموده است.^۴

۴-۵. سفارش به برخی مستحبات

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) به هارون بن خارجه، اهمیّت نماز خواندن در مسجد کوفه آمده است، تا جایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز در سفر آسمانی خود از جبرئیل درخواست توقف کرد و در آنجا دو رکعت نماز گزارد (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۴۰؛ مجلسی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۵، ص ۴۸۶). همچنین حدیث دیگری از ایشان نمایش گر صحنه‌ای در معراج است که

۱. طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۶۴؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۸، ص ۱۱۹ و ذیل (الرحمان: ۴۳) طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۵، ص ۴۲۰؛ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۴۶۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۰۸.
۲. ذیل (الإسراء: ۱) طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۶۲؛ قمی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰، و نیز ذیل (النجم: ۱۳) طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۵، ص ۲۷۰ و ۲۷۴.
۳. مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۲۸۸.
۴. طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۴۶؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳۸۶.

فرشتگان در حال ساختن بقعه‌هایی از طلا و نقره برای مؤمنان هستند و مصالح آنان ذکر تسبیحات اربعه از سوی مؤمنان در دنیا می‌باشد (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۴۲، مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۸، ص ۱۳۲).

نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که به دلیل قلت شمار آن‌ها، در دسته‌ای قرار نمی‌گیرد، به عنوان نمونه ارسال پیام برای شخصی خاص در معراج!

* نتیجه‌گیری

در این نوشتار سعی شد روایات معراجیه گردآوری و کارکرد آن در فهم قرآن بررسی شود. بر اساس مطالب به دست آمده پر واضح است که روایات معراجیه نقش بسزایی در تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) (به عنوان برترین مخاطبان قرآن) داشته است. در حدی که می‌توان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) را فهم بهتر آیات قرآن دانست. این یافته‌ای است که پیش از این بدان توجه نشده است. در واقع معراج، بستری است که فرصت مشاهده عینی ایندازها و بشارت‌ها و ذکر مصادیق و بیان جزئیاتی که قرآن نسبت به آن مسکوت بوده است را در غالب روایاتی که اغلب رویکرد نقلی دارند، برای اهل بیت (علیهم‌السلام) فراهم آورده است. هر چند همواره این گونه نبوده که برای فهم بهتر قرآن به معراج استناد شود. گاه برعکس برای مجاب ساختن مخاطب در سوال از معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آیات قرآن استشهاد شده است.^۱

با توجه به هدف اصلی کشف کارکرد روایات معراجیه در تفسیر، تمرکز این نوشتار بر گونه‌شناسی روایاتی بوده که اولاً از اهل بیت (علیهم‌السلام) و پیرامون معراج، و ثانیاً مرتبط با

۱. به عنوان نمونه ابوسعید خدری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که در معراج جبرئیل از او خواست که سلامش را به خدیجه (س) برساند (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۸، ص ۳۶).

۲. به عنوان نمونه حضرت علی (علیه‌السلام) در رد منکران معراج به آیات سوره نجم استشهاد کرده است: «وَأَمَّا الرَّذُّ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ الْمِعْرَاجَ فَقَوْلُهُ تَعَالَى وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى نُمُّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى إِلَيَّ...» (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۶، ص ۵۳۸ و ج ۱۵، ص ۲۵۴؛ قمی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۸، ص ۲۹۱ و ج ۹۰، ص ۸۵).

مدلول آیه باشد (جنبه‌ی تفسیری داشته باشد). گونه‌هایی از قبیل ایضاح لفظی (تفسیر واژگان قرآنی)، بیان اسباب نزول، ترسیم فضای نزول، بیان اخبار غیبی را که پیش از این محققان برای روایات برشمرده‌اند، در روایات معراجیه بیان و برای هر کدام نمونه‌ای ذکر شد. با این تفاوت که با توجه به فراوانی مضمون هر گونه، دسته‌بندی متناسب آن در نظر گرفته شد (به عنوان نمونه اخبار گذشتگان، آیندگان، فرشتگان، خلقت آسمان و زمین، همگی زیرمجموعه‌ی گونه‌ی اخبار غیبی قرار داده شد). گونه‌های از قبیل اختلاف قرائت^۱، تعلیم تفسیر^۲، بیان ناسخ و منسوخ^۳ که در دیگر تحقیقات برای گونه‌های شناسایی شده، نام برده‌اند، در روایات معراجیه مشاهده نشد. در صورت وجود نیز تعداد آن‌ها اندک بوده و محلی برای اختصاص گونه‌ای مجزا را نداشته است. همچنین در روایات معراجیه گونه‌هایی قابل ذکر است که در تحقیقات گونه‌شناسی پیش از این، عنوانی به آن اختصاص داده نشده است، از قبیل رفع تناقض ظاهری آیات، توصیف جزای اعمال/بهشت و جهنم.

برای تمامی گونه‌های یافت شده، نمونه روایاتی وجود دارد که از اهل بیت (علیهم‌السلام) و مرتبط به معراج هستند، لکن جنبه‌ی تفسیری ندارند. به منظور پرهیز از گستردگی بحث، از نقل مفصل آن‌ها خودداری شد. به این موارد می‌توان گونه‌هایی از قبیل بیان شئون معراج (زمان، مکان، تعداد دفعات، اهداف، مرکب پیامبر (صلی الله علیه و آله))، بیان معارف خداشناسی/ مسائل اعتقادی-کلامی، سفارش به انجام برخی مستحبات/ فضائل اعمال، را نیز افزود.

روشن است که اختصاص یک روایت به یک گونه، کیفی و نسبی بوده، چرا که گاهی هر فراز روایت را می‌توان متعلق به یک گونه‌ای خاص برشمرد. از این رو منطقی است که از نگاه دیگری گونه‌های مذکور قبض و بسط یابد. نویسنده ادعایی در خصوص گونه‌شناسی

۱. تنها یک حدیث از امام باقر (علیه‌السلام) ذیل «ثم دنی فتدلی» (النجم: ۸) در صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۷۷ یافت شد.

۲. در مقاله «روایات تفسیری شیعی، گونه‌شناسی و حجیت»، نویسنده محترم این مورد را تحت عنوان گونه‌ای مستقل دانسته و آورده: در روایات تفسیری، بسا اوقات، به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که چگونگی تفسیر را با استفاده از آیات تعلیم می‌دهد (مهریزی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰). در روایات معراجیه چنین موردی یافت نشد، هر چند تمام روایات را می‌توان با نگاه آموزش چگونگی تفسیر نگریست.

۳. این گونه در دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۵۰۱۰ ذکر شده است.

تمامی روایت معراجیه نداشت، هر چند سعی شده تمام روایات تفسیری اهل بیت (علیهم‌السلام) که مرتبط به معراج پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، بررسی شود.

به اعتقاد نگارنده آن دسته روایات معراجیه که حاکی از مکالمه مستقیم خدا با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، در شمار احادیث قدسی به حساب می‌آید.^۱ در مورد روایات نبوی، به طور کلی برخی آن وحیانی می‌دانند^۲ و برخی حجیت آن را زیر سوال برده‌اند.^۳ در روایات معراجیه منقول از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز همین شرایط برقرار است. در صورت وحیانی ندانستن الفاظ احادیث قدسی (که تعدادی از روایات معراجیه نبوی از جمله‌ی آن است)، تفاوت آن‌ها با دیگر احادیث نبوی، تنها از حیث تأکید و تصریح بر انتساب آن‌ها به ذات مقدّس الهی است (کرمانی، ۱۴۰۱ق، ج ۹، ص ۷۹ و صالح، ۱۳۸۸ق، ص ۱۲۲).

به باور نگارنده اولاً در صورت وحیانی ندانستن کلّ روایات معراجیه نبوی که بعضاً جنبه تفسیری نیز دارند، دست کم روایات معراجیه نبوی که از مکالمه مستقیم خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) حکایت دارد، وحیانی است. با این استدلال که در تعریف وحی آمده: «آگاهی قطعی‌ای است که از ناحیه خداوند، به برخی از انسان‌های برگزیده عطا می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۰۴). از ویژگی‌های وحی را سرعت (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۲۱) و پنهانی بودن (ابن‌منظور، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۳۷۹) بر شمرده‌اند، که این نوع از روایات معراجیه این شرایط دارند و البته انضمام ادله عقلی و نقلی دیگر.^۴ ثانیاً این نوع از

۱. همسو با عده‌ای که معتقدند برخی از احادیث قدسی دستاورد این سفر آسمانی‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۵-۶، ص ۳۹۵؛ مکارم، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۵۰۶).

۲. رک: عابدی، احمد (۱۳۸۷ش)، وحی قرآنی و وحی بیانی، /ندیشه نوین دینی، شماره ۱۳، صص ۴۹-۶۲. نویسنده پس از بیان تقسیمات گوناگون وحی، با بررسی ادله مفسران بزرگ شیعی و سنی، ایده وحی بیانی را مطرح نموده و بر اساس آن به برخی از اشکالات مطرح، پاسخ داده است.

۳. همچون قرآنیون. رک: معارف، مجید و مظفری، راضیه (۱۳۹۸ش)، نقد مدعای قرآنیون مبنی بر وحیانی نبودن سنت نبوی، سفینه، ۱۶(۶۲)، صص ۵۳-۷۵.

۴. از جمله ادله روایی که نقل شده این است که هنگامی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از معراج بازگشت، به دلیل پیش‌بینی که از واکنش نابه‌جای اعراب (که تازه از جاهلیت فاصله گرفته بودند) در مواجهه با اظهار عروج

روایات معراجیه در صورتی که مرتبط با مدلول آیات قرآنی و در تفصیل آن‌ها باشد، در شمار وحی غیرقرآنی^۱ به شمار می‌آید و به دلیل انتساب به خدا و تقریب به قرآن از امتیاز ویژه‌ای نسبت به سایر روایات نبوی و احادیث قدسی برخوردار است. در مورد چگونگی انتقال احادیث قدسی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اختلاف نظر وجود دارد.^۲ در مورد کیفیت معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز آرای متعددی ارائه شده است.^۳ اما اغلب عالمان مسلمان^۴ به استناد آیه «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (النجم: ۹) و روایاتی که بیانگر عدم عبور و تقریب بیشتر

ایشان به آسمان داشتند، مدتی آن را با مردم در میان نگذاشت تا آیه «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كُتُبًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكَ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (هود: ۱۲) نازل شد، باز پیامبر (صلی الله علیه و آله) صبر کرد و بروز نداد تا اینکه آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (المائدة: ۶۷) نازل شد (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۶، ص ۶۱۶؛ مجلسی، ۱۳۱۵)، ج ۳۷، ص ۱۰۹؛ صدوق، امالی، ص ۳۵۴؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹)، ص ۱۶۲. این روایت ذیل «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة: ۳) نیز آمده است (طایبی، ۱۴۳۹ق، ج ۳، ص ۶۰۲، حسکانی، ۱۴۱۱)، ج ۱، ص ۲۵۶).

۱. در شریعت اسلام، دو نوع وحی وجود دارد: قرآنی و بیانی و منحصر دانستن وحی به قرآن مجید صحیح نیست، وحی‌ای که در قرآن نیامده و جنبه تشریح و تفصیل آیات دارد را وحی غیرقرآنی می‌گویند. و حیانی دانستن چیزی غیر از قرآن، موافقان و مخالفانی دارد که هرکدام به ادله‌ایی استناد داشته‌اند. برای کسب اطلاعات بیشتر رک: عابدی، احمد، ۱۳۸۷ش)، ص ۴۹-۶۲.

۲. برخی معتقدند پیامبر (صلی الله علیه و آله) تنها قرآن را از طریق جبرئیل دریافت کرده و در دریافت حدیث قدسی لزوماً این واسطه وجود نداشته است (تهانوی، ج ۱، ص ۶۳۰؛ مامقانی، ج ۵، ص ۴۶). برخی عالمان، انتقال حدیث قدسی به واسطه جبرئیل را هم ممکن دانسته‌اند (قاری، ۱۴۱۳)، ص ۳۱۴، برخی نیز معتقدند راه‌های انتقال احادیث قدسی عمدتاً خواب، الهام و امثال آنها تلقی شده‌اند (قاسمی، ص ۶۶).

۳. جسمانی (جسم مادی، جسم هورقلیایی (برزخی) و...) و روحانی (خواب، الهام و...).

۴. از جمله شیخ صدوق: روایات حاکی از مکالمه‌ی مستقیم خدا با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معراج در دسته وحی بدون واسطه (وحی مشافه‌ی) قرار می‌گیرد (صدوق، ۱۳۹۸)، ص ۲۶۴).

جبرئیل (از مرحله‌ای به بعد) و انحصار آن به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) است را روایات حاکی از مکالمه مستقیم (بدون واسطه) خدا با پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانسته‌اند. هر چند این مهم امتیازی خاص است، لکن برتری را از حیث مضمون نمی‌رساند، چرا که کل آیات قرآن از کانال جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منتقل شده است.

منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن کثیر، اسماعیل (بی‌تا). *البدایة و النهایة*، علی شیری، قم: دار احیاء التراث العربی.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۲۰۰۰م). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
 ۳. ابوشهبه، محمد (۱۴۰۳ق). *الوسیط فی علوم و مصطلح الحدیث*، قاهره: دارالفکر العربی.
 ۴. ادیب بهروز، محسن (۱۳۸۴ش). "معراج از دیدگاه قرآن و روایات"، چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
 ۵. بیهقی، ابوبکر (۱۴۰۵ق). *دلایل النبوة*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
 ۶. تهانوی، احمد اعلی بن علی (۱۹۹۶م). *موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت: رفیق العجم و علی دحروج.
 ۷. جرجانی، علی بن محمد (۱۴۰۵ق). *کتاب التعریفات محمد بن حسن*. بیروت: ابراهیم آبیاری.
 ۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمة فی اصول الائمة*، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه‌السلام).
 ۹. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت (علیه‌السلام) لاحیاء التراث.
 ۱۰. حسکانی، ابوالقاسم عبیدالله (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران: مرکز نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱. به عنوان نمونه: رک قمی، (۱۴۰۴)، ج ۱، ص ۲۴۶؛ طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۵، ص ۲۴۴؛ مجلسی، (۱۳۱۵)،

۱۱. حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین (۱۴۰۹ق). *تَأْوِيلُ الْآيَاتِ الظَّاهِرَةِ*. قم: جامعة المدرسين.
۱۲. *دانش‌نامه جهان اسلام* (۱۳۷۵ش). تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). *مفردات الفاظ قرآن*. دمشق: دارالقلم.
۱۴. رستم‌نژاد، مهدی (۱۳۸۸ش). گونه‌شناسی روایات تفسیری، *حُسنا*، ۱(۱)، ۳۵-۱۶.
۱۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی تا). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۶ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۸. صالح، صبحی (۱۳۸۸ق). *علوم الحدیث و المصطلحه*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). *التوحید*، قم: جامعه مدرسین.
۲۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش). *الخصال*، علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). *الامالی*، محمدباقر کمره‌ای، چاپ ششم، تهران: کتابچی.
۲۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۴ش). *صفات الشیعة*، چاپ چهارم، تهران: عابدی.
۲۳. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵ق). *علل الشرايع*، نجف: منشورات مکتبه الحیدریه.
۲۴. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). *من لایحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
۲۵. طایبی، نجاح (۱۴۳۹ق). *تفسیر أهل البيت علیهم السلام*، قم: دارالهدی لاحیاء التراث.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۷ش). *وحی یا شعور مرموز*، قم: دارالفکر.
۲۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). *مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ وَ مَطْلَعُ النَّبَرَيْنِ*، احمد حسینی، تهران: مرتضوی.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. قم: دارالثقافة.
۳۱. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعة (۱۴۱۲ق). *تفسیر نور الثقلین*، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۳۳. قاری، علی بن سلطان محمد (۱۴۱۳ق). *معجم الاحادیث القدسیة*، بیروت: کمال بسیونی مصری.

۳۴. قاسمی، محمدجمال‌الدین (۱۴۲۲ق). *قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث*، بیروت: محمد بهجة بیطار.
۳۵. قرائتی، محسن (۱۳۷۴ش). *تفسیر نور*، قم: در راه حق.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*، چاپ سوّم، قم: دارالکتاب.
۳۷. کرمانی، محمدبن یوسف (۱۴۰۱ق). *صحیح ابی عبدالله البخاری بشرح الکرمانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۰ش). *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران.
۳۹. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۳ق). *مقیاس الهدایة فی علم الدرابة*، قم: آل البيت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵ق). *بحارالانوار الجامعة فی درر اخبار الأئمة الاطهار*، قم: دارالکتب الاسلامیة.
۴۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۱ق). *مرآة العُقُول فی شرح اخبار آل الرسول*، قم: دارالکتب الاسلامیة.
۴۲. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷ش). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*. چاپ چهارم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب السلامیة.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). *معراج، شق القمر، عبادت در قطبین*، چاپ هشتم، قم: نسل جوان.
۴۵. مهریزی، مهدی (۱۳۸۶ش). روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت، *نشریه علوم حدیث*، ۱۵(۱)، ۳-۳۶.

References

*The Holy Qur'an (Translated by Makarem Shirazi).

1. Ibn Kathir, Ismail (nd). *Al-Bidāya wal-Nihaya*. Ali Shiri, Qom: Dar 'Ihyā' Al-Turāth al-Arabi. [In Arabic]
2. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukrim (2000). *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
3. Abu Shuhbah, Muhammad (1403 AH). *Al-Wasīt fi 'Uloum wa Mustalah al-Hadith*. Cairo. [In Arabic]
4. Adib Behrouz, Mohsen (2005). *Ascension in the Qur'an and Hadith*, second edition, Tehran: International Publishing Company. [In Persian]
5. Beyhaqī, Abu Bakr (1405 AH). *Dalā'il al-Nubuwwa*. Beirut: Dar al-Kitab Al-Islamiya. [In Arabic]
6. Tahānawī, Ahmad A'lā bin Ali (1996). *Mawsou'at Kashāf 'Istilāhāt al-Funoun wal-'Uloum*. Beirut: Rafiq al-Ajam wa Ali Dahrouj. [In Arabic]
7. Jorjānī, Ali Ibn Muhammad (1405 AH). *Kitāb Al-Ta'rīfāt Muhammad Bin Hasan*. Beirut: Ebrahim Abyari. [In Arabic]
8. Hurri Āmilī, Muhammad bin Hassan (1418 AH). *Al-Fusoul al-Muhimma fi 'Usoul al-'A'imma*. Qom: Imam Reza Institute of Islamic Studies. [In Arabic]
9. Hurri Āmilī, Muhammad bin Hassan (1414 AH). *Wasā'il Al-Shi'a*. Qom: Al-Bayt Foundation. [In Arabic]
10. Haskānī, Abulqasem Obaidullah (1411 AH). *Shawāhid Al-Tanzīl*. Yaqub Jafari, Tehran: Ministry of Guidance. [In Arabic]
11. Hosseini Astarābādī, Seyyed Sharaf AL-Din (1409 AH). *Ta'wīl Al-Ayāt Al-Zāhirah*. Qom: Jāmi' al-Mudarrisīn.
12. *Encyclopaedia of Islam* (1996). Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. [In Persian]
13. Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1416 AH). *Al-Mufradāt*. Damascus: Dar al-Qalam. [In Arabic]

14. Rostam-Nejad, Mehdi (2009). "Typology of interpretative narratives". *Hosna*, number 1(1): 16-35. [In Persian]
15. Zurqānī, Mohammad Abd Al-Azim (nd). *Manahil al-'Irfān fī 'Uloum Al-Qur'an*. Beirut: Dar 'Ihyā' Al-Turāth al-Arabi. [In Arabic]
16. Zarkashī, Muhammad bin Abdullah (1415 AH). *Al-Borhan fī 'Uloum Al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'roufa. [In Arabic]
17. Suyoutī, Jalaluddin (1426 AH). *Al-'Itqān fī 'Uloum Al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Kitab Al Arabi. [In Arabic]
18. Saleh, Sobhi (1388 AH). *'Uloum Al-Hadith wa Mustalahih*. Beirut: Dar Al-'Ilm lil-Malā'īn. [In Arabic]
19. Sadouq, Muhammad bin Ali (1398 AH). *Al-Tawhīd*. Qom: Jami' Al-Mudarrisīn. [In Arabic]
20. Sadouq, Muhammad bin Ali (1983). *Al-Khisīl*. Ali Akbar Ghafari, Qom: Jamia Al-Mudarrisīn. [In Arabic]
21. Sadouq, Muhammad bin Ali (1997). *Al-'Amālī*. Mohammad Baqer Kamarei, 6th edition, Tehran: Ketabchi. [In Arabic]
22. Sadouq, Muhammad bin Ali (2015). *Sefat Al-Shia*. Fourth edition, Tehran: Abedi. [In Arabic]
23. Sadouq, Muhammad bin Ali (1385 AH). *'Ilal Al-Sharā'ih*. Najaf: Al-Haidariyya School Press. [In Arabic]
24. Sadouq, Muhammad bin Ali (1404 AH). *Man Lā Yahzaruh-u al-Faqih*. Second edition, Qom: Jami'a Al-Mudarrisīn. [In Arabic]
25. Tāyī, Najāh (1439 AH). *Tafsir Ahl Al-Bayt (AS)*. Qom: Dar al-Hadi.
26. Tabrisī, Ahmad bin Ali (1403 AH). *Al-Ehtijāj*. Mashhad: Morteza Publishing. [In Arabic]
27. Tabrisī, Fadl bin Hasan (1408 AH). *Majma' Al-Bayan*. Beirut: Dar al-Marafa. [In Arabic]
28. Tabatabaei, Mohammad Hossein (1998). *Revelation or Secret Consciousness*. Qom: Dar al-Fikr. [In Persian]
29. Turayhī, Fakhr Al-Din (1996). *Majma' Al-Bahrain*. Ahmad Hosseini, Tehran: Mortazawi. [In Arabic]
30. Tousī, Muhammad bin Hassan (1414 AH). *Al-'Amālī*. Qom: Dar al-Thiqāfa. [In Arabic]

31. 'Aruṣī Huwayzī. Abdul Ali bin Jum'a (1412 AH). *Tafsir Noor Al-Thaqalain*. Fourth edition, Qom: Ismailian. [In Arabic]
32. Farāhīdī, Khalil bin Ahmad (1409 AH). *Kitāb Al-'Ain*. Second edition, Qom: Hijrat Publishing. [In Arabic]
33. Qari, Ali bin Sultan Muhammad (1413 AH). *Al-Mu'jam Al-Ahadith Al-Qudsīyyah*. Beirut: Kamal Basiouni Misri. [In Arabic]
34. Ghasemi, Mohammad Jamal Al-Din (1422 AH). *Al-Ghawā'id al-Tahdith min Fonoun Al-Mostalah Al-Hadith*. Beirut: Mohammad Bahja Bitar. [In Arabic]
35. Qara'ati, Mohsen (1374). *The Commentary Nour*. Qom: Dar Rah-e Haq. [In Persian]
36. Qomī, Ali bin Ibrahim (1404 AH). *Tafsīr Al-Qomī*. Third edition, Qom: Dar Al-Ketab. [In Arabic]
37. Kermani, Muhammad bin Yusuf (1401 AH). *Sahih Abi Abdullah al-Bukhari bi Sharhe Al-Kermani*. Beirut: Dar 'Ihyā' Al-Turāth al-Arabi. [In Arabic]
38. Kulainī, Muhammad bin Yaqub (1991). *Al-Kafi*. Fourth edition, Organization of Endowments and Charitable Affairs of the Islamic Republic of Iran. [In Arabic]
39. Mamaqānī, Abdullah (1413 AH). *Miqbās Al-Hidāya fī 'Ilm al-Dirāya*. Qom: Dar 'Ihyā' Al-Turāth al-Arabi. [In Arabic]
40. Majlisī, Mohammad Bāqer (1315 AH). *Bihār Al-'Anwār*. Qom: Dar Al-Kutub Al-Islāmīya. [In Arabic]
41. Majlisī, Mohammad Bāqer (1391 AH). *Mir'at al-'Uqoul*. Qom: Dar Al-Kutub al-Islāmīya. [In Arabic]
42. Ma'rifat, Mohammad Hadi (١٣٠٩). *Al-Tafsīr wal-Mufasssiroun fī Thawb al-Qhashīb*. 4th edition, Razavi University of Islamic Sciences. [In Arabic]
43. Makarem Shirazi, Nasser (1374). *The Commentary Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīya. [In Persian]
44. Makarem Shirazi, Nasser (1992). *Ascension, Shaq al-Qamar, Worship in Poles*. 8th edition, Qom: Young generation.

45. Mehrizi, Mehdi (1386). "Shiite Interpretive Narratives, Typology and Reasoning". *Journal of Hadith Sciences*, Volume 15(1): 3-36. [In Persian]